

عنوان مقاله:

بکاربا؛ از اصالت عقل تا اصالت تجربه: تحلیل معرفت شناختی اندیشه های کیفی سزار بکاربا

محل انتشار:

فصلنامه اندیشه دینی، دوره 18، شماره 66 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

مجتبی جاویدی - استادیار دانشگاه شیراز

خلاصه مقاله:

هر نظریه ای در علوم انسانی تحت تاثیر مبادی روشی خود از جمله مبادی معرفت شناختی است و از دل آن مبادی متولد می شود. پس از ظهور مدرنیته، دو جریان معرفتی اصالت عقل و اصالت تجربه به موازات یکدیگر خود را در اندیشه ی فلسفی غرب نمایان ساختند. اندیشه کیفی بکاربا، مبدع مکتب کلاسیک حقوق کیفی، از هر دو جریان تاثیر پذیرفته است. قبول اصالت فایده و سودمندی مبتنی بر بیشینه کردن لذت و کمینه کردن رنج و اصل تداعی معانی، دو نشانه ی مهم تجربه گرایی بکاربا بوده است. درمقابل، توصیه و تجویز فایده و سودمندی و همچنین توسل به قرارداد اجتماعی، حقوق طبیعی و اصل عدالت، نشانه های تاثیرپذیری او از جریان اصالت عقل است. هریک از این موارد باعث نتایج خاصی در اندیشه ی کیفی وی شده است. اندیشه های کیفی بکاربا از نظر معرفتی بین دو جریان اصالت تجربه و اصالت عقل در نوسان است و از این جهت تابع ساختار واحد معرفتی نبوده است. به عنوان مثال، اگر بکاربا باتوجه به جریان اصالت تجربه، برای اصل فایده و سودمندی ارزش فراوانی قائل است، پذیرش سیستم قانون گذاری در او نیز باید براساس همین اصل باشد و نه توسل به قرارداد اجتماعی که به لحاظ تجربی قابل پذیرش نیست. همچنین قبول اصل فایده و سودمندی بر مبنای تجربی، با اندیشه ی حقوق طبیعی و عدالت گرایی قابل جمع نیست.

کلمات کلیدی:

. بکاربا، ۲. مکتب کلاسیک، ۳. اصالت عقل، ۴. اصالت تجربه، ۵. فایده گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1558053>

